

## نگذاریم ضجه های برآمده از سیلاب در سکوت خفه شوند



ضجه های مردم سیل زده از هر سو به گوش می رسد. مردمی که خانه و کاشانه هایشان در سیل و گنداب فرو رفته است. مردمی که با جاری شدن فاضلاب به درون اتاق های شان اسیر زانو شده اند. مردم بی پناهی که در امواج سیل رها شده اند و شریعتی، استاندار و قیح خوزستان، خود و استانداری را از هر مسئولیتی در قبال سیل و سیل زدگان مبرا کرده است. در سراسر ایران، شهرداران به دزدی و اختلاس و چپاول در صفحه ۳

## نایمی محیط کار و قربانیان بی شمار سرمایه

سرمایه که حاصل کار و رنج کارگراست، سالانه دهها هزار کارگر را در پیشگاه ارزش اضافه قربانی می کند. تولید سرمایه داری اساساً تولید ارزش اضافی و جذب کار اضافی است. سرمنشأ سرمایه و انباشت آن، ارزش پرداخت نشده همین کار، یعنی ارزش اضافه است. برخلاف تمام کالاها و مواد اولیه و وسایل تولید که ارزش آنها در پروسه تولید، به کالا و محصول جدید منتقل می شود، نیروی کار یگانه کالایی است که در جریان تولید، ارزشی بیشتر از قیمت خود تولید می کند و آفریننده ارزش جدیدی است که سرمایه دار آن را تصاحب می کند. هرچقدر شدت کار بیشتر و ساعات کار طولانی تر باشد، ارزش



در صفحه ۵

## مصوبه جدید مجلس و تشدید نزاع در درون هیئت حاکمه

مصوبه جدید مجلس ارتجاع اسلامی در مورد کنار نهادن مهم ترین تعهدات برجامی جمهوری اسلامی در دو ماه آینده، جنجال جدیدی را در درون جناح های هیئت حاکمه برانگیخته و اختلافات جناح ها را به شدت حاد کرده است. در حالی که روحانی در پی پیروزی باین در آمریکا در تدارک بندوبست های دیپلماتیک برای حصول به نوعی از توافق بود، رقبای وی در مجلس از فرصتی که ترور فخری زاده پیش آورد، بهره گرفتند تا با مصوبه "اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها" تلاش وی را از هم اکنون برای هرگونه توافقی خنثی سازند. بنابراین، طرحی را که از قبل تهیه کرده بودند، به رغم مخالفت روحانی و کابینه او، یکروزه در ۱۱ آذرماه در کلیات، جزئیات، تصویب کردند. شورای نگهبان نیز فردای آن روز این مصوبه را تأیید کرد و بی درنگ توسط رئیس مجلس به روحانی ابلاغ شد. بر طبق این مصوبه گرچه مذاکره نفی نشده و دیپلمات های جمهوری اسلامی از هم اکنون می توانند به مذاکرات پشت پرده ادامه دهند، اما توافقاتی که روحانی در پی آن بود اکنون دیگر به کلی ناممکن شده است.

"طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها" که پس از تصویب، حکم قانون را پیدا کرده است، ۹ بند دارد که مهم ترین آن بند ۶ است: بر طبق این بند: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای متعاقد توافق هسته ای در قبال ایران و عادی نشدن روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش کامل نفت و فرآورده های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش، ۲ ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون در مجلس شورای اسلامی اجرای داوطلبانه سند (پروتکل) الحاقی را متوقف کند.» ناگفته نماند که مجلس ضرب الاجل یکماهه را تعیین کرده بود که شورای نگهبان آن را به دو ماه افزایش داد.

در صفحه ۲

## لایحه بودجه ۱۴۰۰ آئینه ی تمام نمای ورشکستگی نظم حاکم

در صفحه ۱۰

## رژه برای آزادی مان

اتحادیه کارگری (ث. ژ. ب. ت) هر سال در همبستگی با "کارگران واقع در شرایط ناامن [شغلی]" در اولین شنبه دسامبر تظاهراتی را برگزار می کند. از جمله خواسته های امسال این اتحادیه، تعلیق رفرم بیمه بیکاری و کمک های بیشتر به کارگرانی بود که اشتغالشان در خطر است. اما به جز آن، ویژگی تظاهرات امسال، پیوستن گروه های مخالف "قانون امنیتی" جدید و معترض به خشونت پلیس، به رغم وعده بازنگری در بخشی از این قانون دو روز پس از تظاهرات عظیم هفته پیش (۲۸ نوامبر برابر با ۸ آذر) در بیش از ۹۵ شهر و شهرستان در سراسر فرانسه بود.

در صفحه ۷

گزارشی از برگزاری  
اکسیون ۵ دسامبر  
در شهر آمستردام در هلند

در صفحه ۴

## مصوبه جدید مجلس و تشدید نزاع در درون هیئت حاکمه

این مصوبه در بندهای دیگر نیز دولت را «مكلف کرده» که غنی‌سازی ۲۰ درصدی را عملیاتی کند و سازمان انرژی اتمی هم استفاده از سانتریفوژهای نسل ۶ و ۸ را در دستور کار قرار دهد.

همچنین دولت موظف به ذخیره و تولید سالانه ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۲۰ درصد شده و سازمان انرژی اتمی نیز باید ماهانه حداقل ۵۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌سازی شده با غنای پایین تولید و نگهداری کند.

علاوه بر این، بر بهره‌برداری از کارخانه تولید اورانیوم فلزی در اصفهان ظرف مدت ۵ ماه پس از تصویب این قانون، بهینه‌سازی راکتور آب‌سنگین اراک و طراحی راکتور آب‌سنگین ۴۰ مگاواتی دیگر باهدف تولید رادیو ایزوتوپ‌های بیمارستانی نیز تاکید شده است.

در بند ۷ این قانون چگونگی پیشبرد سیاست‌های جمهوری اسلامی و توافق‌های آتی با طرف‌های مقابل تعیین شده است:

در بند ۹ نیز بر مجازات تعزیری استتکاف کنندگان از اجرای این مصوبه تاکید شده است.

روحانی و کابینه وی که با این مصوبه عملاً از توافقات کنار گذاشته شدند، مخالفت شدید خود را با طرح و تصویب آن، اعلام نمودند. ربیعی سخنگوی کابینه یک روز قبل از تصویب طرح گفت:

"به نظر دولت موضوع از اختیارات شورای عالی امنیت ملی است و مسئولیت هرگونه تصمیم چه درباره برجام و چه برنامه‌های هسته‌ای بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی بر عهده شورای عالی امنیت ملی است. هیچ نهاد و قوه‌ای به‌تنهایی نمی‌تواند خارج از این چارچوب اقدام کند."

اما به‌رغم مخالفت کابینه روحانی این طرح تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید.

در پی تصویب طرح، اختلاف بالا گرفت. سخنگوی کابینه اعلام کرد "عنوان طرح، مقابله با تحریم است که معقد این طرح مقابله با تحریم نیست. اگر قرار بود غنی‌سازی ۲۰ درصدی و اجرا نکردن پروتکل الحاقی منجر به رفع تحریم شود که ما قبلاً آن داشته‌ایم."

روحانی با عصیانیت خطاب به ربیعی خود گفت: "هیچ عجله‌ای نکنیم و هول نکنیم. اگر دولت موفقیتی به دست آورد، این موفقیت را تقدیم شما خواهد کرد. ما دست همه را خواهیم بوسید. بگذارید باحوصله، تحمل، خردورزی و آن‌هایی که تجربه بیست‌وچندساله در این امر دارند و در دیپلماسی موفق بودند و در دیپلماسی بارها و بارها آمریکا را در سازمان ملل شکست دادند، کارشان را انجام بدهند."

رئیس دفتر وی نیز صریح‌تر به این مصوبه حمله کرد و گفت: "سنگ‌اندازی می‌کنند و قوانینی را به تصویب می‌رسانند تا دولت نتواند تحریم‌ها را بردارد. عجیب این است که در مصوبه اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها بندهایی گذاشته‌اند که معلوم است مانع رفع تحریم می‌شود اما اسمش را رفع تحریم‌ها گذاشته‌اند." در جبهه مقابل اما روحانی و کابینه‌اش آماج

بایند برای برگشت آمریکا به برجام و تلاش او برای حصول به‌نوعی توافق، همچنین از آنجائی که با روی کار آمدن بایند، رژیم از بابت تحریم‌های بیشتر و حتی اقدامات سیاسی و نظامی آمریکا احساس خطر نمی‌کند، جمهوری اسلامی برای این‌که با دست پرتی وارد مذاکره شود و در مقابل خواست‌های آمریکا و اروپا بر سر مسائل موشکی و منطقه‌ای قدرت مانور و مقاومت بیشتری داشته باشد، می‌بایستی این تعهدات را کنار می‌گذاشت تا بتواند امتیازات بیشتری بگیرد و امتیازات کمتری بدهد.

اما در واقعیت بعید است که ماجرا به همین سادگی پیش برود. چراکه با این سیاست، رفع تحریم‌ها و حصول به یک توافق ولو محدود، حتی پس از روحانی به یک مسئله پیچیده و کش‌دار تبدیل خواهد شد. از این‌جهت حرف کابینه روحانی درست است که می‌گویند، مصوبه مجلس برخلاف نامی که بر آن گذاشته‌اند، برای رفع تحریم‌ها نیست، بلکه مانعی بر سر راه رفع تحریم‌هاست. چراکه طرف‌های مقابل جمهوری اسلامی در برجام نیز به‌سادگی حاضر نمی‌شوند در مقابل جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کنند و امتیاز بدهند.

این مصوبه، اختلاف میان جناح‌ها را که پیش‌ازین نیز با سلطه اصول‌گرایان در مجلس تشدید شده بود، به درجه‌ای افزایش داد که برای نخستین بار در جمهوری اسلامی، به‌اصطلاح رئیس‌جمهوری، به هنگام ارائه بودجه نه در مجلس حضور یافت و نه گزارشی ارائه داد، بلکه معاون پارلمانی خود را با لایحه بودجه به مجلس فرستاد. به قول نماینده رباطکریم، روحانی با این اقدام، "لایحه بودجه را با اسنپ ارسال کرد."

در چنین اوضاعی روشن است که نه‌تنها فعلاً هیچ چشم‌اندازی حتی برای تعدیل تحریم‌ها وجود ندارد، بلکه اختلاف و درگیری میان این دو جناح در چند ماه باقی‌مانده دوره روحانی هر روز شکل حادثتری به خود خواهد گرفت. معضل این اختلافات برای جمهوری اسلامی اما حتی با کنار رفتن روحانی نیز حل نخواهد شد، بلکه این تضادهای درونی طبقه حاکم باز هم تشدید خواهد شد و در شکل و ابعاد دیگری خود را نشان خواهد داد.

چراکه عمیق‌تر شدن اختلافات و تشدید تضادهای جناح‌های هیئت حاکمه در آخرین ماه‌های زمامداری روحانی، صرفاً نتیجه اختلاف بر سر رامحل نزاع هسته‌ای نیست، بلکه خود این اختلاف، بازتاب بحران‌های همه‌جانبه‌ای است که تمام ارکان نظم موجود را فراگرفته است. بحران عمیق سیاسی که جمهوری اسلامی با آن مواجه است، باید بازتاب خود را در اختلافات درون طبقه حاکم و شکاف‌های درونی آن نشان دهد و تاکنون نیز نشان داده است.

حملات گسترده گروه‌های رقیب به‌ویژه در مجلس قرارگرفته‌اند. اگرچه پیش‌ازین، با مداخله خامنه‌ای بحث اعدام روحانی خاتمه یافت، اما در همین چند روز اخیر در بحث‌های علنی مجلس بار دیگر برخی از مجلسیان خواستار محاکمه و مجازات وی و اعضای کابینه پس از پایان یافتن دوره دوازدهم شدند. قالیباف، رئیس مجلس نیز، با تصویب طرح به‌طور ضمنی به روحانی و کابینه، یادآور شد که اگر مسئله‌ای مورد تأیید خامنه‌ای باشد، نه اصل قانون اساسی مورد استناد آن‌ها ارزشی خواهد داشت و نه نظر شورای عالی امنیت. در واقع درست است که خامنه‌ای مجوز گشودن باب مذاکره را به روحانی داد، اما او توافقات احتمالی موردنظرش را به باند دیگری سپرد که پس از روحانی باید بر سر کار می‌آید. از این‌رو طرح مجلس با تأیید خامنه‌ای به تصویب رسید. قالیباف گفت "برخلاف نظر کسانی که موضوع را مربوط به شورای عالی امنیت می‌دانند، این حق و وظیفه مجلس است که در هر موضوعی در کشور دخالت کرده و تصمیم‌گیری کند."

جدال لفظی دو جناح چنان بالا گرفت که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی رژیم نیز وارد معرکه شد. این دبیرخانه روز شنبه این هفته، با صدور بیانیه‌ای طرفداران روحانی را موردحمله قرار داد و اخطار کرد: "قانون فوق مسئله خاصی به زیان مصالح ملی ایجاد نمی‌کند و برعکس، آنچه برخلاف مصالح ملی بوده و مورد نگرانی می‌باشد همین جنجال‌ها است که شأن و جایگاه نهادهای قانونی کشور را مورد خدشه قرار داده و به وحدت و انسجام ملی خسارت وارد می‌کند. ضمن اعتقاد راسخ و توصیه اکید به همه طرف‌ها در خصوص ضرورت پایان دادن به مجادلات بی‌حاصل، هشدار می‌دهیم که اجازه نخواهیم داد منافع و مصالح کشور بازیچه دست سیاست‌بازان قرار بگیرد."

پوشیده نیست که هدف از این قانون، ایجاد مانع و دست‌انداز بر سر راه سیاست روحانی و توافقات احتمالی او با قدرت‌های جهانی است. چون در طول دو ماه تعیین‌شده در این مصوبه، حتی یک توافق جزئی هم نمی‌تواند حاصل گردد، تا چه رسد به لغو تحریم‌ها. این مصوبه مجلس البته چیزی فراتر از ایجاد مانع در مقابل حسن روحانی است. چراکه در عمل به معنای خروج جمهوری اسلامی از برجام است. چون دیگر هیچ‌گونه پایبندی از سوی جمهوری اسلامی به تعهدات اساسی برجام وجود نخواهد داشت. با این‌وجود، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس اما ادعا کرد که این قانون "به معنای خروج ایران از برجام نیست. با تصویب این طرح، زمان که قبل از این در دست طرف مقابل و به ضرر ایران بود برای ایران سودآور است. چراکه ما سعی کردیم منافع هسته‌ای، تولیدات و پیشرفت‌های هسته‌ای خودمان را دنبال کنیم و در صورت هر میزان تعدیل طرف مقابل و لغو تحریم‌ها، ما به همان اندازه به تعهدات برجام برمی‌گردیم."

از دیدگاه جناح رقیب روحانی با توجه به سیاست

**پیش به سوی تشکیل  
حزب طبقه کارگر**

## نگذاریم ضجه های برآمده از سیلاب در سکوت خفه شوند



حاکمان اسلامی فقط نظاره گر رنج و اندوه و تباهی و مرگ سیل زدگان و زلزله زده ها هستند. در پس هر زلزله ای، تنها دروغ و شعارهای توخالی به مردم وعده داده می شود، با وقوع هر سیلی، ریکاری دولت و مسئولان حکومتی بیشتر و بیشتر شده است، بودجه های بخش عمران کوچک و کوچکتر شده اند، با گذشت زمان، خرابی برجای مانده از سیل ها و زلزله ها بیشتر روی هم تلمبار گشته اند، تخصیص بودجه برای زیرساخت های شهری و بازسازی مناطق آسیب دیده کمتر و کمتر شده اند. در عوض با هر اتفاقی که برای مزدوران حکومتی رخ داد، بودجه های نظامی، اطلاعاتی، موشکی، امنیتی و هسته ای به یکباره چندین و چند برابر شدند.

در سیل فروردین ۹۸، به گفته رئیس پزشکی قانونی کشور، بیش از ۷۶ نفر کشته شدند، مدیر کل روابط عمومی سازمان مدیریت بحران اعلام کرد، حدود ۱۰ میلیون نفر به طور مستقیم و غیر مستقیم با تبعات سیل درگیر شده اند. ایلنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، از بازسازی کامل ۴۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی و تعمیر ۴۱ هزار واحد مسکونی دیگر خبر داد، و یک مقام وزارت جهاد کشاورزی از خسارت وارده به بیش از یک میلیون هکتار زمین کشاورزی و باغ خبر داد. در همان موقع، آمارهای غیر رسمی، میزان خسارت وارده بر مناطق سیل زده را تا ۳۰ هزار میلیارد تومان برآورد کردند.

در ورای این همه ویرانی و تباهی و مرگ باقی مانده از سیل ۹۸، دولت جمهوری اسلامی فقط وعده داد. وعده هایی که تماماً دروغ بود و پس از چند صبحی به کلی فراموش شدند. نه بودجه مازادی برای بازسازی مناطق زلزله زده اختصاص داده شد و نه زیرساخت شهرها دستخوش تغییر و تحولی شدند. در عوض، وقتی قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی توسط آمریکا در فرودگاه بغداد ترور شد، بلافاصله از صندوق توسعه ملی کشور، ۲۰۰ میلیون یورو به بودجه سپاه قدس اضافه شد. یک روز بعد از ترور محسن فخری زاده، رئیس سازمان پژوهش وزارت دفاع، امیر حاتمی رئیس ستاد کل ارتش از دو برابر شدن بودجه این نهاد خبر داد. اما در هر سیل و زلزله، صدها نفر کشته می شوند، هزاران نفر بی خانمان می گردند، هستی صدها هزار نفر به تباهی می رود، در دل جنایتکاران جمهوری اسلامی اما آب از آب تکان نمی خورد. انگار این مردمان بلازده از دنیای دیگری آمده اند که جمهوری اسلامی با آنان بیگانه است. آنهم حاکمیتی که تمام موجودیت اش از قیل کار و زحمت و تلاش کارگران و توده های زحمتکش همین مرز و بوم شکل گرفته است. حاکمانی که با کار و عرق جبین همین مردم پرور شده اند، در عوض کارگران و عموم

در صفحه ۴

شهر گردید. با این همه و به رغم اینکه خسارات و ویرانی سیل در همه مناطق سیل زده شدید است، اما خوزستان سهم بیشتری از تباهی و ویرانی نصیب مردم اش شد. در پی بارندگی شدید و مسدود شدن کانال ها، فاضلاب و لجن در خیابان ها جاری شد. به یک باره، خانه های بسیاری در اهواز، آبادان، خرمشهر، کازرون، بندر امام و ماهشهر در فاضلاب و لجن فرو رفتند. مردم خوزستان، بخصوص اهالی خرمشهر و اهواز و آبادان و سر بندر، این مردمان نشستہ بر دریای گاز و ثروت و نفت -که خود کمترین بهره ای از این خوان نعمت نبرده اند- اکنون علاوه بر ویرانی حاصل از سیل، نگران آوار شدن خانه های شان نیز هستند. خانه هایی که با رسوب گل و لای و ورود فاضلاب به درون منازل در معرض فرو ریختن قرار دارند. خطری که سیل زدگان مناطق حاشیه نشین شهرها با بافت فرسوده تر را بیشتر تهدید می کند.

وضعیت سیل زدگان خوزستان، آنچنان بحرانی، حاد و نابسامان است که ویرانی دیگر مناطق سیل زده از جمله خرم آباد، الیگودرز و کهگیلویه عملا در حاشیه خبری مانده اند. فیلم های بخش شده در شبکه های مجازی، با نمایش آبرگفتگی خیابان ها و منازلی که در گنداب و لجن فرو رفته اند، همراه با ضجه های دلخراش کودکان و زنان و مردانی که سیل و بوی گند فاضلاب و لجن، تمام خانه و فضای زندگی شان را فرا گرفته است، جملگی بیانگر عمق فاجعه ای است که در حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی سال از پی سال بر سر توده های مردم ایران آوار شده است.

هنوز تباهی و ویرانی سیل فراگیر فروردین ۹۸ از یادها نرفته است که سیل دیگری گریبان سیل زدگان سال قبل را گرفت. بی مسئولیتی هیئت حاکمه ایران نسبت به جان و زندگی مردم، بی توجهی دولت به بازسازی زیرساخت ها، عدم تخصیص بودجه لازم برای مقابله با سیل و زلزله و دیگر بلایای طبیعی، از جمله مواردی هستند که جملگی دست به دست هم داده اند تا رنج و مرگ و ویرانی و زوال، به رایج ترین و ارزان ترین کالای حکومتی برای توده های مردم ایران تبدیل شده است.

سال از پی سال، توده های مناطق وسیعی از مردم ایران به کام سیل و سیلاب می روند. وقوع متناوب زلزله های ویرانگر به کابوس همیشگی بخش های وسیعی از مردم تبدیل شده است، در کنار ویرانی حاصل از بلایای طبیعی که مسبب خسارات بالای آن هم خود هیئت حاکمه است، کشتار و زندان و شکنجه و سرکوب نیز به امری مرسوم برای حاکمان آدمکش جمهوری اسلامی تبدیل شده است. ۴۱ سال است که مرگ و بلا و نیستی از هر سو بر سر توده های مردم ایران می بارد. هنوز خرابی و تباهی برجای مانده از زلزله های ویرانگر قبلی التیام نیافته است، که زلزله دیگری اتفاق می افتد، هنوز کابوس مرگبار سیل قبلی از یادها نرفته است، که سیلاب دیگری در شهر و خانه های مردمان همان دیار جاری می شود. با وقوع هر سیل و زلزله ای،

مشغول اند، استانداران بجز گسیل نیرو و برای بازداشت و سرکوب و کشتار، وظیفه دیگری در قبال مردم ندارند و کل حاکمیت نیز با بر باد دادن سرمایه های عظیم کشور، مردمی را که بر دریایی از گاز و نفت و ثروت نشسته اند، به تباهی و ویرانی کشانده است. در این ۴۱ سال، دستاورد جمهوری اسلامی برای توده های مردم ایران، چیزی جز سیل و زلزله و غارت و کشتار نبوده است. سیلی که هر سال، مناطقی از کشور را فرا می گیرد، زلزله ای که هر چند وقت یک بار شهرهایی را ویران می کند. در این میان، بازداشت و زندان و سرکوب و کشتار که دیگر روز و وقت و سال نمی شناسد و همیشه بر سر کارگران و توده های زحمتکش آوار است. مردم ایران بیش از ۴ دهه است که با یک چنین سرنوشت فاجعه باری مواجه اند. ۴۱ سال، غارت از پس غارت، کشتار از پس کشتار، زلزله از پس زلزله و سیل از پس سیل.



هنوز خرابی و ویرانی و زخم های برجای مانده از سیل فروردین ۹۸، از جان و ذهن و زندگی مردمان سیل زده پاک نشده بود که دوباره سیل و سیلاب دیگری بر آنان فرود آمد. سیلی که این بار فقط طغیان آب نبود، که جاری شدن گنداب و لجن و فاضلاب به درون خانه ها بود. سیلی که دست کم ۸ استان کشور را فرا گرفت. سیل و سیلابی که با بارش شدید باران از روز دوشنبه ۱۰ آذر شروع شد و طی ۷۲ ساعت، خانه ها و خیابان های مناطق سیل زده را در تلاطم گنداب و فاضلاب و لجن فرو برد.

ایلام، بوشهر، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، فارس و لرستان از جمله استان هایی بوده اند که سیل کوچه و خیابان و معابر این مناطق را در نوردید و به درون خانه ها سرریز شد. سیلی طغیانگر، که ویرانی به بار آورد، دار و ندار مردمان سیل زده را به تاراج برد، خانه های شان را خراب کرد، احشام و طیور اهالی روستاهای سیل زده بخصوص مناطق عشایری مسمی را به کام کشید و تخته پاره های جاری در سیل و گنداب فاضلاب ها، قایق نجات کودکان سیل زده شد. با ادامه بارندگی از نیمه شب یکشنبه ۱۶ آذر، شهرهای گناوه و دیلم و دشتستان در استان بوشهر با آبرگفتگی بیشتری مواجه شدند و مسیرهای دیلم به بیهان و برازجان به گناوه مسدود شده است. اعتراضات مردم سربندر (بندر امام) طی چند روز گذشته و ادامه آن در روز یکشنبه با شعار "مسئول بی لیاقت نمی خواهیم"، منجر به تعلیق شهردار این



## نگذاریم ضجه های برآمده از سیلاب در سکوت خفه شوند

توده های مردم زحمتکشی که تولید کننده تمام ثروت و سرمایه کشور هستند، خود از حاصل رنج و کار و سرمایه های این مملکت بی بهره اند و این چنین اسیر سیل و سیلاب می شوند. به همین مردمان سیل زده خوزستان نگاه کنید، بر دریایی از نفت و گاز و ثروت نشسته اند، اما با هر بارندگی اسیر سیل و سیلاب می شوند؛ با هر اعتراض و خیزشی، بیش از مناطق دیگر سرکوب و کشتار می شوند؛ در پس هر واقعه ای نه بودجه مازادی برای مردم کشتار شده در سیل و زلزله اختصاص داده می شود و نه بر بودجه عمرانی کشور ریالی افزوده می گردد. با وقوع هر سیل و زلزله، چند روزی خبرها داغ می شوند، مسئولان شهری و استانی و کشوری در مناطق سیل زده ظاهر می شوند، مسئولان دولتی با رگان برآمده گردن، برای بهبودی وضعیت زلزله زدگان و سیل زدگان شعار می دهند، اما همینکه ضجه های مادران داغدار فرو نشست، همینکه شیون کودکان وحشت زده در گلو خفه شد، همینکه داغی اعتراضات مردم سیل زده سرد و خاموش گشت، همینکه حرکت دست به دست شدن فیلم های ویرانی مناطق سیل زده از سرعت باز ایستاد، سیل زدگان به کلی فراموش می شوند، زلزله زدگان در تنهایی و بی پناهی خود فرو می روند.

در وقوع سیل سال گذشته، خبرگزاری ایلنا از بازسازی کامل ۴۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی خبر داده بود. با وقوع سیل جدید، همین خبرگزاری در مورد دلایل سیل اخیر نوشت: "یکی از دلایل بالا آمدن آب و فاضلاب در سطح خیابان های اهواز، سیل دو سال قبل است که در رودخانه ها لایه های آبرفتی و رسوبات ایجاد کرد و رودخانه ها دیگر ظرفیت لازم را ندارند و با کمترین بارندگی، آب را به کانال ها و لوله های فاضلاب شهری پس می زنند." یعنی بعد از سیل ویرانگر بهار سال گذشته، نه تنها هیچگونه بودجه مازادی برای پیشگیری از وقوع سیل های بعدی اختصاص داده نشد، که همان رسوبات باقیمانده در کف رودخانه و کانال ها نیز لارویی نشدند.

نتیجه آن شد که با یک بارندگی شدید سه روزه، دوباره ۸ استان کشور در سیل و سیلاب فرو رفتند و مردمان بسیاری از هستی ساقط شدند. وقوع سیل اخیر، آنهم در شرایط حاد کرونایی و در وضعیت قرمزی که همه استان های سیل زده قرار دارند، شرایط دردناکتری را برای مردمان این مناطق رقم زده است. پیامدهای ناگوار بهداشتی، افزایش مرگ و میر و فقدان رسیدگی به زنان و کودکان سیل زده از جمله گرفتاری های کوتاه مدت دوره پسامد این سیل است که بر جان و زندگی مردمان آن دیار سایه افکنده است. پوشیده نیست، چنین سرنوشت غم انگیزی که اکنون بر توده های مناطق سیل زده آوار است، تصویر روشنی از ۴۱ سال دزدی و اختلاس و غارت و چپاول سرمایه های عظیم مملکت است که توسط دزدان و فاسدان جمهوری اسلامی به یغما رفته است. تصویر دردناکی از بر باد رفتن صدها میلیارد دلار حاصل کار و کوشش کارگران و زحمتکشان ایران است که در سوریه

و عراق و لبنان و یمن هزینه شده است. به غارت رفتن میلیاردها دلار ثروت و منابع مالی کشور است، که طی دهه های متمادی صرف پیشبرد سیاست توسعه طلبانه پان اسلامیستی و نیز صرف ساختن موشک و تاسیسات بی حاصل هسته ای شده اند.

در حاکمیتی که برای توسعه نهادهای خرافی دینی و مذهبی، بیش از توسعه زیرساخت شهرهای سیل زده و مدیریت بحران کشوری هزینه می شود، وقتی بودجه حوزه های علمی به بیش از ۱۸۰ برابر بودجه سازمان مدیریت بحران است، وقتی بودجه ستاد اقامه نماز بیش از دو برابر، بودجه شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، چهار برابر، بودجه مجمع جهانی اهل بیت، پنج برابر و بودجه مجمع جهانی تقرب مذاهب بیش از چهار برابر بودجه سازمان مدیریت بحران کشور باشد، وقتی مسئولان شهرداری برای سودبری بیشتر بر بستر رودخانه های خشک شده ساخت و ساز و خیابان سازی کرده باشند و رسوبات آبرفتی بر جای مانده در کف رودخانه لایروبی نگردند، روشن است که با یک بارندگی شدید چند ساعته، مناطق وسیعی از شهرها و استان های کشور یکسره در سیل و فاضلاب فرو می روند.

پوشیده نیست وضعیت موجود، تنها گوشه ای از نتایج و تبعات ویرانگر ۴۱ سال حکومت سرمایه داری و ارتجاع مذهبی حاکم بر ایران است. حکومتی که سال های متمادی مردم را شکنجه و زندانی و کشتار کرده است، رژیمی که ثروت و منابع بیکران کشور را بر باد داده و کمترین ارزشی برای جان و زندگی عموم توده های مردم ایران قائل نیست. نتیجه بیش از ۴ دهه حاکمیت سرکوبگرانه ارتجاع اسلامی آن شده است که با وقوع هر سیل و زلزله، صدها نفر کشته، ده ها هزار نفر بی خانمان و مناطق وسیعی از کشور به تباهی و ویرانی کشیده شده اند.

بیان این واقعیت های تلخ و مرگبار، تنها گوشه ای از زندگی کارگران و عموم توده های مردم ایران است. مردمانی که این چنین بی پناه و گرسنه و عاصی در حاکمیت ننگین ارتجاع اسلامی گرفتار شده اند. روشن است که یک چنین تصویر دردناکی از فلاکت و بدبختی و مرگ و نیستی و زوال، هرگز شایسته کارگران و عموم توده های مردم ایران نیست. بی تردید، همان توده های مردمی که خیزش انقلابی دی ماه ۹۶ را رقم زدند، همان زنان و مردان و جوانان سلحشوری که قیام شکوهمند آبان ۹۸ را بوجود آوردند، همان کارگرانی که کارخانه و محیط کار را به سنگر مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرده اند، همان سیل زدگانی که به اعتراض علیه مسئولان حکومتی برخاسته اند، قادرند حقوق پایمال شده خود را باز پس گیرند. قادرند جمهوری اسلامی را براندازند. توانایی آن را دارند به اعتراض عمومی برخیزند، دست به اعتصاب بزنند و با سازماندهی یک قیام مسلحانه توده ای جمهوری اسلامی را به زباله دانی تاریخی بسپارند. پس بپا خیزیم و نگذاریم ضجه های مردم سیل زده در سکوت خفه گردد.

## گزارشی از برگزاری اکسیون ۵ دسامبر در شهر آمستردام در هلند



روز شنبه ۵ دسامبر در حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان و به مناسبت قیام آبان ماه ۱۳۹۸ و در اعتراض به احکام اعدام ۵ تن از بازداشت شدگان دی ماه ۱۳۹۶ و شلاق خوردن داود رفیعی کارگر معترض و اخراجی پارس خودرو و گرامیداشت روز دانشجو، توسط کمیته حمایت از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران - هلند، تجمع اعتراضی در شهر آمستردام برگزار شد. فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) در هلند ضمن حمایت خود در این اکسیون فعالانه شرکت داشتند. نصب پلاکاردها، شعارهای سیاسی و عکس جانفشانان قیام آبان ماه ۱۳۹۸ مورد توجه مراجعین و رهگذران قرار گرفت. پخش موزیک و خواندن بیانیه کمیته به زبان های فارسی، هلندی و انگلیسی و شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی بخش های دیگر این تجمع اعتراضی بود.

**سرنگون باد رژیم  
جمهوری اسلامی**

**برقرار باد حکومت شورایی  
زنده باد آزادی  
زنده باد سوسیالیسم**

**فعالین سازمان فدائیان  
(اقلیت) - هلند**

## نایمنی محیط کار و قربانیان بی‌شمار سرمایه



سال ۲۰۱۹ نسبت به سال قبل از آن افزایش داشته است اما در پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری و کشورهایی که کارگران از تشکلهای بزرگ و قوی برخوردار هستند این ارقام به‌طور نسبی کاهش داشته است. معادن زغال‌سنگ که یکی از قربانگاه‌های اصلی کارگران بوده، در بسیاری از این کشورها به‌کلی تعطیل و انرژی‌های دیگری جایگزین انرژی زغال‌سنگ شده است. در بسیاری دیگر از کشورها نیز از آسیا گرفته تا آمریکای لاتین و هند و استرالیا و غیره نیز بسته به میزان تشکلهای کارگران و قدرت آن‌ها در چانه‌زنی با سرمایه‌داران، مقررات و قوانینی در زمینه رعایت ایمنی و بهداشت محیط کار و بازرسی از محل کار وضع‌شده و اجرا می‌شود. هیچ‌یک از این کشورها در شرایط قرن نوزدهم به سر نمی‌برند و سال‌هاست آن شرایط را پشت سر نهاده‌اند.

در جمهوری اسلامی اما شرایط به گونه دیگری است. هیچ حساب‌و‌کتابی در کار نیست. مرگومیر ناشی از فقدان ایمنی محیط کار بسیار بالا است. جمهوری اسلامی در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده است. در حالی که کارگران جهان وارد قرن بیست‌ویک شده‌اند، کارگران ایران اما از نظر فقدان ایمنی و بهداشتی محیط کار هنوز در قرن نوزدهم به سر می‌برند. روزی نیست که چند کارگر دچار سانحه کاری نشوند و به دلیل فقدان ایمنی و حفاظتی جان خود را از دست ندهند. رسانه‌ها و مطبوعات حکومتی پراست از حوادث کاری و تلفات ناشی از فقدان لوازم ایمنی و حفاظتی و بهداشتی در محیط کار. بیش از ۶۰ درصد از حوادثی که منجر به مرگ کارگر شده است مربوط به کارگران ساختمانی است که در عین حال از هرگونه بیمه‌های محروم‌اند و معدود کارگرانی که بیمه‌شده بودند، در جریان بیکاری‌های اخیر و شیوع کرونا که نتوانسته بودند سهم بیمه خود را بپردازند، بیمه‌شان قطع شده است. بر اثر خودداری سرمایه‌داران از صرف اندک هزینه برای بهبود شرایط ایمنی و بهداشتی و حفاظتی محیط کار روزانه ده‌ها کارگر دچار سانحه می‌شوند، آسیب می‌بینند، به بیماری‌های ناشی از آلودگی محیط کار مبتلا می‌شوند، دچار نقص عضو می‌شوند و یا جان خود را از دست می‌دهند. رایج‌ترین علل مرگومیر کارگران سقوط از بلندی، استنشام گاز سمی، انفجار و ریزش معدن و مصدوم و کشته شدن کارگران در اثر واژگونی و تصادف سرویس‌ها و مینی‌بوس‌های رفت‌و‌برگشت کارگران به محل کار است. تنها در نیمه اول آذر

صرف‌نظر از اینکه در کارخانه‌ها و صنایع، جریان یکسان و خسته‌کننده کار بی‌انتهای رنج‌آوری که طی آن همواره یک‌روند مکانیکی تکرار می‌شود، دستگاه عصبی را بی‌اندازه خسته و فرسوده می‌سازد، در عین حال این موضوع نیز کاملاً روشن است که بالا بردن شدت کار و سرعت ماشین‌ها به‌منظور تولید ارزش اضافه بیشتر نیز احتمال بروز سوانح کاری را افزایش می‌دهد. صحبت مارکس در کاپیتال پیرامون ازدیاد سرعت ماشین‌آلات و افزایش سوانح کاری به‌عنوان پیامد آن بسیار روشن‌گرانه است. "از زیاد سرعت ماشین‌آلات، چرخ‌ها، استوانه‌ها، دوک‌ها و دستگاه‌های خودکار اکنون با سرعتی بیشتر و قدرت روزافزونی حرکت می‌کنند. انگشتان باید سریع‌تر و مطمئن‌تر نخ‌های گسیخته را دریابند زیرا کمترین تردید و کوچک‌ترین بی‌احتیاطی آن‌ها را فدا می‌کند. بسیاری از سوانح در نتیجه کوشش کارگران در سریع انجام دادن کار حاصل می‌شود. باید به خاطر داشت که برای کارخانه‌داران مسئله اینکه ماشین‌ها بدون انقطاع در حرکت باشند یعنی نخ و منسوج تولید کنند، کمال اهمیت را داراست. هر توقف یک‌دقیقه‌ای نفعی هدر رفتن نیرو است بلکه زیان تولید است." (همان)

سرمایه‌دار برای آنکه سود خویش را افزایش دهد و سهم بیشتری به جیب بزند، سعی می‌کند هزینه‌های کمتری مصرف کند. یکی از راه‌های مستقیم کاهش هزینه، علاوه بر پرداخت دستمزدهای پایین و کاهش آن، خودداری از صرف هزینه‌هایی است که مربوط به ایمنی و بهداشت و حفاظت محیط کار کارگر است. به گفته "شارون بارو" دبیر کل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری، سالانه حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار کارگر به دلیل سانحه در محل کار، جان خود را از دست می‌دهند. بنا به آمار اعلام‌شده از سوی سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۱۹ دو میلیون و ۷۸۰ هزار کارگر در سراسر جهان به خاطر عدم تأمین بهداشت و ایمنی و حفاظت محیط کار دچار سانحه شده، جان خود را از دست داده‌اند و ۳۷۴ میلیون کارگر نیز دچار بیماری، نقص عضو و سایر حوادث غیر کشته شده‌اند. بخش بزرگی از این ارقام دهشتناکی که بیان حرص و آز طبقه سرمایه‌دار است مربوط به کشورهای غیراروپایی و یا کشورهایی است که طبقه کارگر آن کشورها فاقد تشکلهای بزرگ و قدرتمند اتحادیه‌ای هستند. اوایل قرن نوزدهم وضعیت ایمنی و بهداشتی محیط‌های کار در سراسر جهان وحشتناک و مرگومیر ناشی از فقدان وسایل بهداشتی و ایمنی بسیار بالا بود. اما به فراخور رشد و تکامل سرمایه‌داری و در پرتو سازمان‌یابی و مبارزات طبقه کارگر، سرمایه‌داران نیز در بسیاری از کشورها به رعایت پاره‌ای نکات ایمنی و بهداشتی در محیط کار و ادارات شدند. مبارزات طبقه کارگر، بسیاری از سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را به تصویب قوانینی به سود کارگران واداشت. کارفرمایان ملزم به رعایت این مقررات شدند. از این رو اگرچه آمار کل حوادث کاری در

اضافه‌تولید شده و سود سرمایه‌دار نیز بیشتر است. اینکه شدت کار یا ساعات کار طولانی سلامت و جان کارگر را به خطر می‌اندازد برای سرمایه‌دار مهم نیست. برای سرمایه‌دار مهم این است که چرخ تولید ارزش اضافه، متوقف نشود و سود بیشتری کسب کند. سرمایه‌دار از آنجاکه می‌خواهد چرخ تولید به‌طور دائم بچرخد و پروسه تولید ارزش اضافه متوقف نشود، از زمان استراحت و حتی زمان غذا خوردن کارگر می‌زند و به سلامت جسم و جان کارگر اهمیتی نمی‌دهد. نگاه سرمایه به نیروی کار زنده، نگاه ابزاری است. کارگر برای سرمایه‌دار، یک وسیله و ابزار تولید است نه یک انسان! "سرمایه با شهوت بی‌حدوحصر و کورکورانه خود، و با ولع سیری‌ناپذیرش برای کار اضافی، نفعی از اخلاق بلکه از کران‌های جسمانی کار روزانه نیز تجاوز کرده است. سرمایه زمان لازم برای



رشد، تکامل و سلامتی را غصب می‌کند. سرمایه زمان لازم را برای مصرف هوای آزاد و نور خورشید می‌ریابد. در وقت غذا خوردن چانه می‌زند و هر جا که امکان داشته باشد، آن‌ها را در خود فرایند تولید می‌گنجاند تا غذا به کارگر به‌عنوان ابزار صرف تولید به همان نحو اضافه شود که زغال به دیگ بخار و ریختن روغن و گریس به ماشین زده می‌شود... سرمایه نگران طول عمر نیروی کار نیست، آنچه موردعلاقه اوست فقط و فقط بیشینه نیروی کاری است که در مدت کار روزانه می‌تواند به عمل واداشته شود. وی با کوتاه کردن حیات نیروی کار به این هدف می‌رسد، به همان نحو که کشاورز طماع با از بین بردن حاصلخیزی زمین محصول بیشتری را به بیغما می‌برد." بنابراین تولید سرمایه‌داری که در اساس تولید ارزش اضافه و انباشت سرمایه است، "با طولانی کردن کار روزانه نفعی برای کار انسانی را با محروم کردن از آن شرایط اخلاقی و جسمانی متعارف تکامل و فعالیتش به نابودی می‌کشاند بلکه همچنین سبب فرسودگی پیش از موعد و مرگ خود این نیروی کار می‌شود. سرمایه با کوتاه کردن حیات کارگر، زمان تولید او را در یک دوره معین طولانی‌تر می‌کند." (مارکس- کاپیتال ترجمه حسن مرتضوی جلد اول)

سرمایه که تنها در اندیشه سود و افزایش سود و انباشت است، تا جایی که بتواند ساعات بیشتری از کارگر کار می‌کشد و بدین گونه سرنوشت نیروی کار را رقم‌زده و او را قربانی می‌کند.



## نایمنی محیط کار و قربانیان بی‌شمار سرمایه

۹۹ روزانه دهها تن از کارگران به دلایل فوق جان خود را از دست داده یا مجروح و مصدوم شده‌اند. یک کارگر ساختمان اهل پاوه در اثر سقوط از ارتفاع جان باخت. یک کودک ۱۷ ساله هنگام کار در یک ساختمان نیمه‌تمام در شهرستان میانه بر اثر سقوط از ارتفاع جان باخت. یک کارگر ۲۲ ساله ساختمان در تهران، یک کارگر ۶۰ ساله ساختمان در مشهد، یک کارگر ساختمان در اصفهان، یک کارگر ساختمان در فراهان، یک کارگر سیمان در جویبار، دو کارگر در سمنان و سیرجان، یک کارگر در رشت، یک کارگر دیگر در تهران، سه کارگر در شیراز، زرنه و نسیم شهر، یک کارگر معدن در اسفراین، دو آتش‌نشان هنگام اطفاء حریق، یک کارگر ۲۲ ساله هنگام نظافت دستگاه پرس در کارخانه روغن‌کشی منجیل، یک کارگر معدن سنگ عباس‌آباد شهرستان محلات،



یک کارگر کنترل‌چی معدن سنگ تخته گنبد سیرجان، کارگر نگهدار نجف‌آباد اصفهان و... در اثر فقدان ایمنی و حفاظتی جان خود را از دست دادند. در پتروشیمی خارک بر اثر آتش‌سوزی یک کارگر کشته و ۵ تن دیگر مصدوم شدند. در شبستر کارگری از بالای داربست سقوط کرد و کشته شد و کارگر دیگری زیر بیل مکانیکی جان سپرد. مریم نصرتی کارگر ۳۹ ساله یک واحد تولیدکننده کارتن واقع در کیلومتر ۱۰ شاهرود، هنگام تعمیر و راه‌اندازی دستگاه پرس دچار سانحه شد و جان باخت.

بخش دیگری از حوادث کاری همین ۱۵ روز اول آذرماه که منجر به کشته و مجروح شدن کارگران شده است مربوط به تصادفات و واژگونی سرویس‌های ایاب‌وذهاب کارگران است که پیوسته در حال افزایش است. بامداد دوم آذر سرویس حامل کارگران پالایشگاه اصفهان در کمربندی خمینی‌شهر - نجف‌آباد واژگون شد که در اثر آن ۴ کارگر جان خود را از دست دادند و ۱۴ کارگر دیگر به‌سختی مجروح شدند. به دنبال آن در اثر تصادف وانتی که حامل کارگران شاغل در کنگان و عسلویه بود، ۲۱ کارگر از جمله یک کودک کار ۱۲ ساله و یک کارگر ۶۰ ساله مصدوم شدند. یکی دیگر از سرویس‌های رفت‌وبرگشت کارگران با ۱۴ سرنشین در مسیر هویزه- جفیر در استان خوزستان واژگون شد و دست‌کم ۳ نفر به‌سختی مصدوم شدند. در اثر واژگونی یک مینی‌بوس حامل کارگران سیمان بجنورد، ۷ کارگر مصدوم



شدند. باز بر اثر برخورد یک خودرو و سرویس کارگران کشاورزی در شهرستان دیر بوشهر، ۲۰ کارگر مجروح شدند. جمعه ۱۴ آذر بر اثر تصادف مینی‌بوس حامل کارگران پتروشیمی مسجدسلیمان در شمال شرقی اهواز، ۳۰ کارگر پتروشیمی مجروح شدند. از آنجاکه این یک تصادف زنجیره‌ای چند وسیله نقلیه بود تعدادی از سرنشینان وسایل نقلیه دیگر نیز مجروح شدند. مطابق همین آمار تنها در ظرف کمتر از ۱۵ روز، ۹۹ کارگر روزانه بیش از ۷ کارگر فقط هنگام رفتن به محل کار یا بازگشت، دچار سانحه و مصدوم شده یا جان خود را از دست داده‌اند.

واقعیت این است که آمار کارگرانی که به خاطر فقدان وسایل و لوازم ایمنی و حفاظتی جان خود را از دست داده یا مصدوم شده‌اند بسیار بیشتر از این ارقام است. روابط عمومی پزشکی قانونی اعلام کرد در ۷ ماه اول سال جاری، حوادث کاری منجر به مرگ در استان آذربایجان شرقی، ۴۰ درصد افزایش یافته است. همین منبع اعلام کرد در طی این مدت ۸۱۰ نفر بر اثر مصدومیت ناشی از نبود ایمنی کار به ادارات پزشکی قانونی استان مراجعه کرده‌اند و طی این مدت مجموعاً ۸۹۱ نفر در این استان کشته و مصدوم شده‌اند. به احتمال خیلی زیاد رقم مصدومان و جان‌باختگان ناشی از نبود وسایل و لوازم ایمنی کار و حفاظتی و بهداشتی، در سایر استان‌ها و در سطح کل کشور نیز به همین نسبت افزایش داشته و به‌طور قطع کرونا نیز این روند را تشدید کرده است. چنانکه سال ۹۸ نیز با افزایش آمار حوادث ناشی از فقدان ایمنی محیط کار نسبت به سال ۹۷ روبرو بودیم. طبق آمار ارائه‌شده از سوی وزارت کار در سال ۹۸ از کل بیمه‌شدگان در معرض حادثه شغلی؛ ۲۱۵۶۲ نفر دچار حادثه شغلی شده‌اند که این تعداد نسبت به سال قبل از آن ۲۲.۴ درصد افزایش داشته است.

جالب این است که در رسانه‌های رسمی تقریباً هیچ اسمی از کارگرانی که در این یا آن کارخانه و مؤسسه دچار حادثه می‌شوند و نیز نام کارفرما و مسئول آن واحد انتشار نمی‌یابد و امکان پیگیری ماجرا تقریباً صفر می‌شود. این رسانه‌ها با سکوت خود رسماً از سرمایه‌داران و منافع آن‌ها دفاع می‌کنند تا به این طریق کشتار کارگران در خاموشی ادامه یابد. در جمهوری اسلامی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مؤسسات صنعتی و معادن عملاً به کشتارگاه کارگران تبدیل شده‌اند. هیچ‌گونه ضابطه و کنترلی در این زمینه وجود ندارد. معدود مقررات و بندهای قانون کار در زمینه قواعد و ضوابط مربوط به ایمنی و شرایط فنی و بهداشتی کار نیز عملاً اجرا نمی‌شود. کارفرما آن را اجرا نمی‌کند و این مقررات عملاً روی کاغذ است. بازرسی از محل کار نیز یک امر صوری و قلابی است. به

گزارش ایسنا معاون بهداشت وزارت بهداشت اعلام کرد: بر اساس آمارهای منتشره از مرکز آمار ایران، در حال حاضر بیش از ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار کارگاه با بیش از ۲۰ میلیون نفر شاغل در بخش‌های صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات کار می‌کنند" او گفت؛ تأمین، حفظ و صیانت از سلامت کار و کارگر و محیط کار برعهده حدود ۳ هزار بازرس بهداشت حرفه‌ای قرار گرفته است.

چنانکه مشاهده می‌شود تعداد بازرسان برای بازرسی واقعی از کارگاه‌های یادشده به‌کلی ناکافی است. به‌نحوی که هرآینه حتی تصمیم بر این می‌بود و اراده‌ای وجود می‌داشت که از این کارگاه‌ها بازرسی به عمل آید، بازم در عمل امکان بازرسی از این کارگاه‌ها وجود نداشت. مطابق این ارقام هر بازرس باید از ۹۳۳ کارگاه بازرسی کند و اگر هرروز و حتی در روزهای تعطیل رسمی هم به این کار مبادرت ورزد، ۲ سال ونیم طول می‌کشد که فقط یکبار برای بازرسی از تعداد کارگاه‌هایی که به او اختصاص داده می‌شود اقدام کند. بنابراین بازرسی از محیط کار کارگران نیز، صرف‌نظر از نحوه و نتیجه آن، عملاً وجود ندارد. ایمنی محیط کار در بسیاری از کشورهای جهان از نمونه جمهوری اسلامی چنان وخامت یار و میزان مرگومیر چنان بالاست که ظاهراً سازمان بین‌المللی کار نیز اخیراً دستورالعملی مبنی بر حق سلامت و ایمنی کارگران در محل کار صادر نموده است. اما این دستورالعمل با مخالفت اتحادیه‌های صنفی کارفرمایان روبرو شده و از اجرای آن ممانعت به‌عمل آمده است.

در جمهوری اسلامی، طبقه سرمایه‌دار آزادانه کارگران را استثمار می‌کند و در زمینه حقوق پایه‌ای کار تعیین مزد و قرارداد کار و امثال آن نیز در مورد رعایت مسائل ایمنی، بهداشتی و حفاظتی محیط کار، پابند هیچ قانونی نیست. شورش‌ناهنه طبقه کارگر ایران نیز به خاطر محرومیت از تشکلهای توده‌ای و طبقاتی خود، فاقد اهرم‌ها و ابزار لازم برای اعمال زور متشکل و چانه‌زنی در رابطه با تغییر وضع موجود و بهبود شرایط کار از جمله ایمنی محیط کار است. در جمهوری اسلامی سرمایه‌داران از صرف هرگونه هزینه در راستای ایمنی محیط کار و کاهش سوانح ناشی از آن شانه خالی می‌کنند و عملاً کارگران را به کام مرگ می‌فرستند.

نحوه برخورد سرمایه‌دار نسبت به ابزار و وسایل تولید و ماشین‌آلات و مصالح تولید بسیار صرفه‌جویانه و با امساک و قناعت همراه است. باوجود آن‌که نگاهش نسبت به کارگر یک نگاه ابزاری است و کارگر برایش در حکم یک وسیله کار است، اما علی‌رغم این، نسبت به کار زنده (کارگر) به همان نسبت و حتی بیشتر از آن دست‌ودلباز و اسراف‌کار است. این وضعیتی است که در جمهوری اسلامی حاکم است. این مقرراتی است که بر محیط‌های کار حاکم است و اخراج و تنبیه کمیته‌های انضباطی در انتظار هر کارگری است که از این مقررات سرپیچی کند. اینجا در جمهوری اسلامی مناسبات شبه بردماری حاکم است و "آیین‌نامه‌های تنبیهی مراقبت کار، جای تازیانه نگهدار بردگان را گرفته است" (مارکس، کاپیتال- جلد اول)

## رژه برای آزادی‌مان

تظاهرات ۲۸ نوامبر، در پی فراخوان چند انجمن روزنامه‌نگاران و با حمایت و شرکت اتحادیه‌های کارگری، وکلا، گروه‌های ضدنژادپرستی و سازمان‌های حقوق بشری و تعدادی از احزاب چپ سوسیالیست برگزار شد و به تخمین فراخوان‌دهندگان ۲۰۰ هزار نفر در پاریس و ۳۰۰ هزار نفر در سایر شهرهای فرانسه در آن شرکت کردند. همچنین در برابر سفارتخانه‌های فرانسه در هلند و آلمان نیز تظاهرات اعتراضی برگزار گردید. پلیس سعی کرد با ادعای امکان شرکت "جلیقه زردها" و "تحریک‌گران" "بلوک سیاه" از صدور مجوز برای این تظاهرات جلوگیری کند، اما دادگاه‌ها این استدلال را رد کردند.

تظاهرات علیه لایحه‌ای بود که از سوی دولت مکرون پیشنهاد شده و در ۲۴ نوامبر در پارلمان به تصویب رسیده بود. این مصوبه دارای ۳۲ بند است که همه آن‌ها در خدمت پشتیبانی و تقویت نیروی پلیس قرار دارند؛ از جمله، افزایش بودجه "امنیتی" به بیش از یک میلیارد دلار و استخدام ۱۰ هزار پلیس دیگر در ۵ سال آینده. اما جنجال‌برانگیزترین آن‌ها، بند ۲۴ بود که خشم بسیاری از مردم فرانسه را برانگیخت و خطر اپیدمی کرونا نیز نتوانست آن‌ها را از سرازیر شدن به خیابان‌ها بازدارد. طبق این بند، فیلمبرداری از "عملیات پلیس" و انتشار این فیلم‌ها در رسانه‌های عمومی و پلتفرم‌های اجتماعی از سوی خبرنگاران یا شهروندان ممنوع می‌شود. قانونی که در صورت اجرا برای متخلفان یک سال حبس و معادل ۵۳ دلار جریمه در پی دارد.

بندهای دیگری از این مصوبه نیز با انتقادات و اعتراضات بسیاری روبرو شد؛ از جمله بند ۲۱ که به رغم ممنوعیت خبرنگاران و مردم از فیلمبرداری و انتشار فیلم‌های مربوط به "عملیات پلیس"، به پلیس اجازه می‌دهد در حین "عملیات" از مردم فیلمبرداری کند؛ بند ۲۲ به پلیس اجازه می‌دهد با استفاده از پهپادها مردم را تحت نظر گیرد و آنان را شناسایی کند. از آن گذشته، پلیس‌ها مجاز می‌شوند نه تنها هنگام انجام وظیفه بلکه در اوقات فراغت نیز اسلحه حمل کنند و آن را به کار گیرند.

تشدید اقدامات سرکوبگران پلیس در سال‌های اخیر به ویژه از زمان اعتراضات جلیقه زردها علیه تنگناهای اقتصادی، نیز خشم روزنامه‌نگاران، دانشجویان روزنامه‌نگاری، اتحادیه‌های کارگری، فعالین چپ‌گرا، شهروندان متعلق به طیف‌های مختلف سیاسی، مخالفان نژادپرستی و به ویژه جوانان را برانگیخته بود. آنان تأکید داشتند که این قانون بر "آزادی مطبوعات، آزادی بیان و آزادی تظاهرات" خدشه وارد می‌آورد و به همین دلیل این تظاهرات از سوی بسیاری "رژه برای آزادی‌مان" نام گرفت.

بهانه دولت ماکرون و حزب وی در ارائه لایحه "افشای چهره و اطلاعات پلیس" و "به مخاطره انداختن آنان و خانواده‌های‌شان" از طریق این انتشار این گونه فیلم‌ها بود. چنین ادعایی در حالی



می‌تواند عده‌ای را بفریبید. اما در دوران بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و تشدید مبارزه طبقاتی عملکرد واقعی پلیس در حفظ مناسبات اقتصادی موجود و منافع طبقه حاکم و سرکوب توده‌های معترض آشکار می‌گردد.

گرچه اعتراضات اخیر در فرانسه علیه حمله دولت و احزاب راست به آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تظاهرات و در اعتراض به خشونت نهادینه پلیس علیه توده‌های معترض بود، اما ریشه‌های این خشم در جایی عمیق‌تر نهفته است. این تظاهرات تنها علیه حمله به آزادی‌های دموکراتیک مردم فرانسه نیست، بلکه مقاومت در برابر گسترش بی‌عدالتی و نابرابری، فقر و بیکاری است. در سال‌های اخیر در پی شکست سیاست‌های نئولیبرالی و تعمیق بحران ساختاری سرمایه‌داری بر نارضایتی کارگران و توده‌های مردم افزوده گشته است. گذشته از گسترش فقر و بیکاری و نگرانی نسبت به آینده، انتشار گزارشات مبنی بر انباشته شدن ثروت نزد اقلیت ناچیزی، حتا در دوران بحران اقتصادی یا بروز اپیدمی کرونا مردم را برآشفته ساخته است. در چنین بستری، بنا به تجربه تاریخی منجلاب‌های ملازم با این نظام از جمله نژادپرستی، زن‌سنجی و بیگانه‌سنجی نیز سر باز می‌کنند. از این‌روست که هر از چند گاهی در کشورهای گوناگون خیزش‌ها و اعتراضات توده‌ای پراکنده و گاهی طولانی مدت اوج می‌گیرند؛ اعتراض به ریاضت‌های اقتصادی، جنبش اشغال وال استریت، جنبش علیه نژادپرستی، جنبش جلیقه زردها و... سیاستمداران و احزاب راست، که وظیفه‌ای جز حفظ منافع طبقه سرمایه‌دار ندارند، برای مقابله با این اعتراضات، آن‌گاه که توسل به تحمیق و توجیه شرایط موجود کارساز نشود نقاب از چهره برگرفته و به آخرین حربه خود یعنی اعزاز نیروهای سرکوب از جمله پلیس به مقابله با توده‌های معترض روی می‌آورند و هر بار در این رویارویی، این مقاومت و مبارزه توده‌های مردم است که پیشروی یا عقب‌نشینی دولت‌های ارتجاعی حاکم را رقم می‌زند. چنان‌که مانند بارها پیش از این، مقاومت مردم مبارز فرانسه این بار نیز دولت و طبقه حاکم را به عقب‌نشینی واداشت.

گرچه شرایط در ایران با کشورهایی مانند فرانسه که به یمن مبارزات کارگران و زحمتکشان از درجه‌ای از آزادی‌های دموکراتیک برخوردارند، بسیار متفاوت است، اما مردم ایران نیز می‌توانند از این مبارزه و مبارزات مشابه درس‌های مفیدی بیاموزند. نخست آن که،

مطرح شد که روز پیش از تصویب این لایحه، یعنی ۲۳ نوامبر، پلیس صدها پناهنده را از "میدان جمهوری" رانده بود و ویدئوهای از ضرب و شتم پناهجویان در حین "عملیات پاکسازی" در رسانه‌ها دست به دست می‌چرخید. در ۲۱ نوامبر نیز، ویدئویی از توهین‌های نژادپرستانه همراه با ضرب و شتم یک آهنگساز سیاهپوست توسط ۴ پلیس منتشر شده بود و بسیاری را حیرت‌زده کرده بود. پیش‌تر، در حین تظاهرات "جلیقه زردها" نیز ویدئوهای متعددی از خشونت پلیس از قبیل شلیک گاز اشک‌آور و ضرب و شتم تظاهرات‌کنندگان که به مصدومیت و نقص عضو صدها تظاهرکننده انجامیده بود، منتشر شده بودند.

پس، در واقع این لایحه قرار نبود، مانع خشونت پلیس علیه معترضان و جنبش‌های اجتماعی معترض شود، بلکه هدف ممانعت از انتشار شواهد و مدارک مستند درباره خشونت‌های وحشیانه پلیس علیه توده‌های مردم و عدم پاسخ‌گویی پلیس در برابر توسل به خشونت بود. خشونتی که دولتمداران و سیاستمداران به ویژه راست فرانسه منکر آن می‌شوند. آنان همچنین منکر وجود نژادپرستی سیستماتیک در میان نیروهای پلیس و مصونیت آنان در برابر مجازات هستند. در فرانسه آماری در مورد خشونت پلیس علیه سیاهان و عرب‌ها وجود ندارد، چرا که گردآوری اطلاعات برحسب نژاد ممنوع است و سیاستمداران فرانسه مدعی‌اند که همه فرانسوی و در برابر قانون برابر هستند.

در حالی که واقعیت‌ها خلاف آن را به اثبات می‌رسانند. خبرنامه‌ای که در "فرانس تی وی اینفو" منتشر شد کوشید اطلاعاتی درباره سوءرفتار پلیس گرد آورد. این اطلاعات نشان دادند که در سال ۲۰۱۹ طی اعتراضات "جلیقه زردها" ۳۰۰۰ شکایت علیه پلیس شده اما تنها ۱۰۰ مورد به ثبت رسیده بود. بنا به گزارش "نگاهبانان آزادی‌های مدنی فرانسه" در سال ۲۰۱۷، ۸۰ درصد از کسانی که مورد کنترل پلیس قرار می‌گیرند، "جوانان سیاهپوست یا عرب" هستند بسیاری از این کنترل‌ها هم به ضرب و شتم جوان می‌انجامد. "دیده‌بان نیروی پلیس فرانسه" در ماه ژوئن سال جاری اعلام کرده بود که سال گذشته ۱۵۰۰ شکایت علیه خشونت پلیس وجود دارد. باز در ماه ژوئن انتشار گزارش‌هایی درباره وجود گروه‌هایی از پلیس‌های نژادپرست در فیس‌بوک در رسانه‌های فرانسه وزیر کشور فرانسه را ناچار ساخت تا به دادستان دستور پیگیری دهد. خشونت پلیس و نیروهای سرکوب طبقه بورژوازی محدود به فرانسه نیست. در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف از جمله در آلمان و فرانسه رشد نژادپرستی در میان نیروهای پلیس و حتا نیروهای نظامی در رسانه‌ها و افکار عمومی مطرح گردیده و مکرر مورد بحث قرار گرفته است، اما مقامات دولتی آن‌ها را موارد منفرد و استثنایی معرفی کرده و همواره منکر نژادپرستی سیستماتیک در میان نیروهای پلیس شده و خشونت پلیس در مقابله با معترضان را به بهانه‌های گوناگون توجیه و تبرئه کرده‌اند.

طبقه حاکم در تمام نظام‌های سرمایه‌داری، پلیس را "حافظ امنیت شهروندان" معرفی می‌کند، ادعایی که در دوران رکود مبارزه طبقاتی

## لایحه بودجه ۱۴۰۰ آئین‌های تمام‌نمای ورشکستگی نظم حاکم

اما از این بسیار مهم‌تر لایحه پیشنهادی بودجه است. بررسی بودجه پیشنهادی برای سال ۱۴۰۰ حتا در کلی‌ترین خطوط آن عمق بحران اقتصادی و ناتوانی و در نتیجه بی‌برنامگی جمهوری اسلامی را کاملاً عیان می‌سازد.

بر اساس لایحه بودجه، مبلغ کل بودجه ۲۴۳۵ تریلیون و ۷۰۷ میلیارد و ۸۹۸ میلیون تومان است که شامل دو بخش است. اول بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت برابر با ۱۵۶۱ تریلیون و ۹۵۷ میلیارد و ۴۶ میلیون تومان و دوم بودجه عمومی دولت برابر با ۹۲۹ تریلیون و ۸۲۱ میلیارد و ۷۱۷ میلیون تومان که این دومی خود شامل دو بخش می‌گردد. از کل بودجه عمومی دولت مبلغ حدود ۸۸ تریلیون تومان آن درآمد اختصاصی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی می‌باشد که در همان وزارتخانه‌ها و موسسات هزینه می‌شود و منابع عمومی برابر با ۸۴۱ تریلیون و ۳۴۲ میلیارد و ۷۵۲ میلیون تومان که مجلس اسلامی در بررسی لایحه بودجه در واقع تنها همین یک بخش از منابع بودجه عمومی را بررسی می‌کند و سایر مبالغ به‌طور کلی در بودجه منظور می‌شوند و عملاً هیچ کس از چگونگی آن خبردار نیست. به‌گفته‌ی محسن زنگنه از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس ۸۵ درصد کل مبلغ مربوط به بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و موسسات انتفاعی مربوط به ۵ شرکت است که از این ۵ شرکت نیز ۹۰۰ تریلیون آن مربوط به شرکت نفت است. وی با اشاره به سوالات کمیسیون از وزارت نفت و حتا حضور بیژن زنگنه وزیر نفت در مجلس برای پاسخگویی به چگونگی درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و عدم پاسخگویی وزارت نفت به سوالات آن‌ها، گفت: "آخرین چیزی که به ما گفتند این بود که درآمدهای شرکت نفت اسناد طبقه‌بندی شده است و تنها به دو سه نفر در کل کشور داده می‌شود!!! جالب آن‌که حتا برخی از رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی نیز از این بخش‌های بودجه که برابر با ۶۷ درصد کل بودجه است اما در مجلس اسلامی بررسی نمی‌شود و کسی هم از چگونگی آن اطلاعی ندارد به‌عنوان مرکز رانت و فساد نام می‌برند.

### منابع درآمدها و هزینه‌های بودجه

اما بودجه منابع عمومی سال ۱۴۰۰ (۸۴۱ تریلیون) که می‌یابد در مجلس اسلامی بررسی شود و تمام بحث‌های رسانه‌ای حول این مبلغ دور می‌زند، در مقایسه با سال جاری که ۵۷۱ تریلیون تومان است رشدی ۴۷ درصدی نشان می‌دهد. رشد ۴۷ درصدی بودجه نه تنها از نرخ رسمی تورم بیشتر است بلکه از همه مهم‌تر این سوال مطرح است که درآمدهای تعیین شده در بودجه برای تامین این مبلغ چگونه تنظیم شده‌اند؟! آن‌هم در حالی که بودجه ۵۷۱ هزار میلیارد (تریلیون) تومانی سال جاری با کسری عظیمی روبروست و چشم‌انداز اقتصادی سال

آینده نیز تیرمتر از سال جاری است. براساس این لایحه، قرار است ۳۱۷ تریلیون تومان (حدود ۳۸ درصد) درآمد از طریق وصول مالیات و عوارض گمرکی و مانند آن تامین شود که تنها وصول مالیات حدود ۲۴۸ تریلیون تومان برآورد شده که نسبت به سال جاری (۲۰۴ تریلیون) رشدی ۲۱ درصدی دارد. با توجه به رکود اقتصادی از جمله تأثیرات کرونا بر اقتصاد و کاهش شدید قدرت خرید مردم که منجر به تعطیلی بسیاری از کسب و کارها شده است، کسب چنین درآمدی از محل مالیات بسیار بعید می‌باشد همان‌طور که در سال‌های گذشته نیز هیچ‌گاه درآمدهای مالیاتی ۱۰۰ درصد تحقق نیافتند (آن‌هم در شرایطی که وضعیت اقتصادی به بدی امروز نبود). نکته قابل‌تعمق دیگر در رابطه با درآمدهای مالیاتی افزایش مالیات بر درآمد حقوق‌بگیرها می‌باشد که نسبت به سال جاری حدود ۱۷ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است.

دیگر منبع درآمد دولت از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (نفت و گاز و...) است که پیش‌بینی شده ۲۲۵ تریلیون تومان به خزانه دولت از این طریق واریز شود. پیش‌بینی چنین درآمدی برای نفت و مشتقات آن در حالی‌ست که ۲۰ درصد از درآمدهای نفتی می‌یابد به صندوق توسعه ملی واریز شود و ۱۴/۵ درصد نیز از درآمدها سهم شرکت نفت است.

در حالی که گفته می‌شود میزان فروش نفت ایران بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز است، براساس این لایحه فروش نفت باید حدوداً ۵ برابر میزان فعلی شود. براساس این لایحه قرار است روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت با بهای ۴۰ دلار در هر بشکه به فروش برسد. نکته‌ی دیگری که در این بخش از لایحه آمده پیش‌فروش نفت است که در واقع یک روش دیگر برای استقراض است. به‌گزارش خبرگزاری دولتی فارس، دولت در نظر دارد روزانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار بشکه نفت را به صورت پیش‌فروش در بازار داخلی با سررسید دو ساله به فروش برساند!! نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه در این رابطه گفت: "طوری برنامه‌ریزی شده که اگر فروش نفت محقق نشد و نتوانستیم به بیرون بفروشیم، بتوان پیش‌فروش داخلی کرد". یک نکته مهم دیگر تغییر نرخ تبدیل دلارهای نفتی است. در این لایحه دلارهای حاصل از فروش نفت ۱۱۵۰۰ تومان (در برابر ۴۲۰۰ تومان سال جاری) محاسبه شده است.

دیگر منبع درآمدهای دولت همان استقراض و فروش اموال دولتی است. براساس لایحه بودجه پیش‌بینی شده است از راه فروش اوراق قرضه دولتی و شرکت‌های دولتی ۲۹۸ تریلیون تومان درآمد کسب شود که ۷۱ درصد بیش از سال جاری است. جالب آن‌که خریدار اصلی اوراق دولتی در سال جاری به دلیل عدم استقبال مردم، بانک‌ها بودند که براساس قانون موظف به خرید اوراق قرضه دولتی شده بودند که یکی از عوامل

افزایش تورم، نقدینگی، چاپ اسکناس از سوی بانک مرکزی و تشدید بحران در سیستم بانکی است. این را هم در نظر داشته باشیم که هم‌اکنون بازپرداخت بهره و اصل مبلغ اوراق قرضه که فروش آن‌ها به ویژه از ابتدای دهه ۹۰ به شدت رونق گرفت، یک معضل مالی بزرگ جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی نه فقط اوراق مشارکت ریالی بلکه اوراق مشارکت ارزی نیز در سال‌های گذشته به فروش رسانده است که پیش‌فروش نفت در بودجه سال جاری یک نمونه دیگر از این اوراق قرضه است که با نام‌های گوناگون در سال‌های اخیر به فروش رفته‌اند. یکی دیگر از نکات بودجه که باید بر آن انگشت گذاشت سهم ۸۸ درصدی هزینه‌های جاری در بودجه است. براساس این لایحه ۱۰۴ تریلیون تومان سهم هزینه‌های عمرانی است که البته در تمام سال‌های گذشته به بهانه‌ی کسری بودجه سهم هزینه‌های عمرانی عموماً پرداخت نشده و اگر هم به میزانی پرداخت شده، بخش بزرگی از آن حیف و میل شده است. به گفته عادل آذر رئیس سابق دیوان محاسبات "بودجه عمرانی ۴۵ درصد آن تبدیل به خروجی می‌شود. ۵۵ درصد آن ریخت و پاش است. یعنی هر ۱۰۰ تومان پولی که شما می‌دهید ۴۵ تومان منجر به راه و جاده و آسفالت و راه آهن و... می‌شود".

بالا بودن هزینه جاری اما بیان‌گر هزینه کردن دولت برای امور آموزشی و درمان و بهداشت و محیط زیست نیست، بلکه بخش عمده هزینه‌های جاری به دستگاه سرکوب و مذهبی و بوروکراسی مورد نیاز جمهوری اسلامی برای ادامه بقا برمی‌گردد. برای نمونه تنها بودجه امور دفاعی و امنیتی کشور ۱۲۱ تریلیون تومان است که یک سوم این مبلغ در فصل "حفظ نظم و امنیت عمومی" هزینه می‌شود و علاوه بر آن قرار است دو میلیارد دلار نیز از صندوق توسعه ملی به این منظور برداشت شود!!!

بودجه سپاه پاسداران با ۵۸ درصد افزایش به بیش از ۳۸ تریلیون تومان، بودجه ارتش با ۵۳ درصد افزایش به ۲۰ تریلیون تومان و بودجه نیروی انتظامی با ۴۱ درصد افزایش به ۲۷ هزار تریلیون تومان رسیدند. در این بودجه تنها بودجه دستگاه‌های مذهبی متعلق به آخوندهای مرتجع ۵ برابر کل بودجه محیط زیست است. بودجه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۲۰۵ میلیارد تومان، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خاوران ۳۲۵ میلیارد تومان و ده‌ها دستگاه مفت‌خور دیگر از این بودجه سهم می‌برند از جمله بنیاد فرهنگی قاسم سلیمانی که ۸/۵ میلیارد تومان از بودجه دریافت می‌کند در حالی که در تمام این سال‌ها پولی برای حل معضل فاضلاب اهواز وجود نداشته تا مردم اهواز با یک بارندگی به چنین معضلی که در روزهای گذشته بار دیگر با آن روبرو شدند، روبرو نشوند!!!

این را هم در نظر بگیریم که دستگاه‌های نظامی، امنیتی و مذهبی جدا از مبلغی که در بودجه به آن‌ها تعلق می‌گیرد، از همان بودجه پنهان که کسی از آن اطلاعی ندارد نیز سهم می‌برند. جدا از همین این‌ها، این دستگاه‌ها از قبیل شرکت‌هایی که در این سال‌ها به راه انداخته‌اند و درآمدها و رانت‌هایی که از آن طریق بدست



## گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو



از صفحه ۸

### لایحه بودجه ۱۴۰۰ آئینه‌ی تمام‌نمای ورشکستگی نظم حاکم

می‌آورند حتا مبالغی به مراتب بیشتر از بودجه به دست می‌آورند.

#### تاثیرات بودجه ۱۴۰۰ بر زندگی کارگران و زحمتکشان

برآورد درآمدها در بودجه ۱۴۰۰ به‌قدری غیرواقعی‌ست که برخی مقامات حکومتی و اقتصاددانان جمهوری اسلامی از آن به عنوان "درآمدهای رویایی" نام برده‌اند. حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی با بیان این‌که "بودجه بدون اصلاح اساسی غیرقابل اجرا است" گفت: "درآمدهای دولت در لایحه بودجه سال آینده ۸۴۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده در حالی که ۲۵۰ هزار میلیارد تومان آن واقعی است و روی بقیه (۵۹۰ هزار میلیارد تومان) نمی‌توان حساب کرد". در یک کلام بودجه به دلیل غیرواقعی بودن درآمدهای آن بودجه‌ای است که به گسترش گرانی، تورم، رکود و بیکاری می‌انجامد.

اما این تنها کسری بودجه نیست که زندگی کارگران و زحمتکشان را پرمشقت‌تر از همیشه می‌سازد. سیاست‌های ضد مردمی بودجه همواره بر بودجه‌های کشور حاکم بوده و در بودجه سال ۱۴۰۰ نیز این مساله عریان‌تر از حد سال‌های گذشته به چشم می‌آیند.

یک نمونه کوچک کاهش میزان ارزی‌ست که به کالاهای اساسی تعلق می‌گیرد. در بودجه ۸ میلیارد دلار برای تامین کالاهای اساسی با نرخ تسعیر ۴۲۰۰ تومانی در نظر گرفته شده است. این در حالی‌ست که این مبلغ بیش از دو میلیارد دلار کمتر از بودجه سال ۹۹ است و باز از این هم بگذریم که با گذشت بیش از ۸ ماه از آغاز سال جدید تنها ۶/۷ میلیارد دلار از میزان ارزی که در بودجه ۹۹ برای واردات کالاهای اساسی مقرر شده بود، تخصیص یافته است. کاهش میزان ارز برای کالاهای اساسی، آن هم در شرایطی که بسیاری از کالاهای اساسی حتا در سال گذشته از لیست کالاهایی که ارز ۴۲۰۰ تومانی به آن‌ها تعلق می‌گرفت خارج شده‌اند،

بیان‌گر این است که کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه باید پول باز هم بیشتری برای تامین کالاهای اساسی پرداخت کنند و کالاهای اساسی هم کمیاب‌تر و هم گران‌تر خواهند شد.

تعیین مبلغ ۱۱۵۰۰ تومان برای یک دلار در بودجه ۱۴۰۰ یکی از نتایج آن در اقتصاد درهم شکسته و غرق در بحران رکود - تورمی کنونی افزایش تورم خواهد بود که باز به ضرر کارگران و زحمتکشان خواهد بود. اما در حالی که لایحه بودجه ۱۴۰۰ از وضعیت فاجعه‌بار اقتصاد در سال آینده خبر می‌دهد و در حالی که هم اکنون تورم به صورت واقعی سه رقمی شده است، افزایش حقوق و مستمری کارکنان دولت و بازنشستگان تنها ۲۵ درصد تعیین شده است و این به این معناست که بار تشدید بحران اقتصادی رکود - تورمی هم‌چون سال‌های گذشته نه بر دوش سرمایه‌داران که بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه خواهد افتاد. این را هم در نظر داشته باشیم که افزایش سالانه دستمزد کارگران نیز عموماً در حدود میزان افزایش حقوق و مستمری کارکنان دولت و بازنشستگان بوده است بنابراین از الان باید انتظار داشت که سیاست ارگان فرمایشی و دولتی "شورای عالی کار" برای میزان افزایش دستمزدهای کارگران چیزی در حد افزایش حقوق کارکنان دولت خواهد بود و این یعنی فقر و گرسنگی بیشتر کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه.

یکی دیگر از نتایج بودجه ۱۴۰۰ که نتیجه‌ای جز تشدید بحران رکود تورمی نخواهد داشت، افزایش بیکاری خواهد بود که باز مستقیماً زندگی خانواده‌های کارگری و دیگر زحمتکشان جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد و جدا از فقر مشکلات فراوان دیگری برای این خانواده‌ها و جوانان بیکار آن‌ها ایجاد می‌کند.

در یک کلام، بودجه ۱۴۰۰ آئینه‌ی تمام‌نمای ورشکستگی نظام اقتصادی - سیاسی حاکم است و بار دیگر ثابت می‌کند که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و دگرگونی تمامی نظم موجود شرایط برای کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه تغییر خواهد کرد.

## کمک های مالی

**سوئیس**  
 علی‌اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک  
 سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک  
 حمید اشرف ۳۰ فرانک  
 محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک  
 امیر نبوی ۵۰ فرانک

**دانمارک**  
 هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون  
 دکتر نریمسا ۲۰۰ کرون

**سوئد**  
 یاد جان‌باختگان آبان ماه ۲۰۰ کرون  
 گرامی باد ۲۰۰ کرون

**ایتالیا**  
 فدا ۲۰۰ یورو

**فرانسه**  
 فعالین اوامنیته - پاریس ۱۰۰۰ یورو

از صفحه ۷

## رژه برای آزادی‌مان

سکوت و انفعال در برابر مصائب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تعرضات طبقه حاکم نه تنها آنان را از اجرای سیاست‌های ضد مردمی باز نمی‌دارد، بلکه آنان را جری‌تر و گستاخ‌تر می‌سازد. در تظاهرات ۲۸ نوامبر و تظاهرات ۵ دسامبر در فرانسه، اتحادیه‌های کارگری و کارگران، روزنامه‌نگاران، گروه‌های مدافع حقوق بشر، وکلا، جوانان، جلیقه زردها، طیف‌های گوناگون سیاسی و احزاب چپ دست به دست هم دادند و به خیابان‌ها آمدند تا از حقوق مشترک خود دفاع کنند. به جز اتحاد و همبستگی میان تمامی این گروه‌های اجتماعی، یکی دیگر از رمزهای موفقیت اعتراضات مردمی در فرانسه، وجود اتحادیه‌های کارگری، احزاب چپ و انجمن‌های مختلف صنفی و نهادهای حقوق بشری بود که توانستند با فراخوان و پشتیبانی از فراخوان‌های یکدیگر، نیم میلیون فرانسوی را در شهرهای گوناگون بسیج کنند و اعتراضی چنین گسترده را سازمان دهند. توده‌ی عظیمی که بسیاری به علت شیوع کرونا انتظار آن را نداشتند. این نیز درس سومی‌ست که می‌توان از این اعتراضات گرفت، یعنی تنها با تشکل و سازماندهی است که می‌توان نیروی مبارز را به میدان آورد و خواسته‌های خود را به هیئت حاکمه تحمیل کرد. برای موفقیت در هر مبارزه‌ای گریزی جز اتحاد و همبستگی و تشکل نیست.

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 898 december 2020

## لایحه بودجه ۱۴۰۰ آئینه‌ی تمام‌نمای ورشکستگی نظم حاکم

بهبودی کاری مجلس اسلامی را ترک کرد و نائب رئیس مجلس اداره جلسه را برعهده گرفت. پس برای اولین بار نه فقط رئیس‌جمهور بلکه حتی رئیس مجلس نیز هنگام ارائه لایحه بودجه که از جنبه‌هایی مهم‌ترین "وظیفه" سالانه مجلس اسلامی نیز هست، در مجلس اسلامی حضور نداشت. برهمگان روشن است که این عدم حضور طرفین برخلاف همه‌ی بهانه‌های دو طرف، نشانگر تشدید تضادهای درونی طبقه حاکم در نتیجه تعمیق بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و شکست و ناتوانی جمهوری اسلامی برای غلبه بر آن‌هاست.

در صفحه ۸

لایحه بودجه پیشنهادی هیات وزیران (کابینه روحانی) برای تصویب در مجلس اسلامی بیان روشن ورشکستگی و بن‌بست جمهوری اسلامی است. از نحوه‌ی ارائه بودجه به مجلس و متن لایحه تا اظهارنظرهای نمایندگان پیش از بررسی بودجه، همگی بیانگر این واقعیت هستند. این اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی بود که بودجه کل کشور نه توسط رئیس‌جمهور (رئیس هیات وزیران) و حتی بدون حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه، بلکه توسط معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به مجلس اسلامی ارائه شد و جالب آن‌که قالیباف رئیس مجلس وقتی که از عدم حضور روحانی خبردار شد خود نیز به



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰  
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:  
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: [Shora.tv@gmail.com](mailto:Shora.tv@gmail.com)، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی